

(مقاله پژوهشی)

تحلیل گفتمان مؤلفه‌های کلیدی نفرت پراکنی زنان علیه زنان در شبکه اجتماعی اینستاگرام

مریم مقیمی^{۱*}، هادی خانیکی^۲، سید علی اصغر سلطانی^۳

چکیده

نفرت پراکنی بیان تنفر به فرد یا گروهی از افراد، به‌علاوه ویژگی‌های مشترک یا تعلق به گروهی خاص است. با گسترش شبکه‌های اجتماعی و اشاعه خشونت و تبعیض در دنیای مجازی، بستری فراهم شده که در آن گفتمان‌های نفرت‌آمیز زنان علیه یکدیگر منجر به ایجاد بازنمایی جدیدی از زنان شده است. از این رو باتوجه به اینکه نفرت پراکنی می‌تواند تبدیل به جریان شده و پیامدهای اجتماعی زیادی به دنبال داشته باشد، این مقاله قصد دارد به واکاوی مؤلفه‌های اصلی نفرت پراکنی در پست‌های کاربران زن ایرانی در اینستاگرام بپردازد. بر این اساس با رجوع به آرای گلیردونه، سنتز نظری تولید معنای نفرت‌آمیز در فضای مجازی ارائه و با رهیافت تحلیل گفتمانی تئون ای. ون دایک، صفحات بیست کاربر زن فعال در حوزه زنان تحلیل شد. با توجه به رهیافت تحلیل گفتمانی، فرم کارویژه‌ای برای ثبت و استخراج اطلاعات از متن خبرهای منتخب در نظر گرفته شد. نتایج نشان از وجود چهار مؤلفه نفرت پراکنی ساختاری زنان علیه زنان دارد. کاربران از یک‌سو آگاهانه و تحت تأثیر آموزه‌های فمینیستی به نفی ارزش‌ها و ایدئولوژی گفتمان مسلط پرداخته، از سوی دیگر با هجمه زنان سنتی به بازتولید گفتمان مسلط می‌پردازند. پست‌های منتشرشده به نفی باورهای موجود و شکل‌گیری مقاومتی منتهی به برابری جنسی پرداخته‌اند. تولید خشونت نمادین توسط زنان نویسنده و زنان پرسردوست به صورت ناآگاهانه، از تقابل‌های مشهود در پست‌های کاربران بوده که منجر به همدستی ضمنی آنها در بازتولید نگاه فرودستی به زنان است.

کلیدواژگان

تحلیل گفتمان، نفرت پراکنی، مؤلفه‌های نفرت پراکنی، شبکه اجتماعی اینستاگرام

۱. دانشجوی دکتری علوم ارتباطات، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران (نویسنده مسئول)
moghimi333@gmail.com
 ۲. استاد علوم ارتباطات دانشکده ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
hadi.khaniki@gmail.com
 ۳. دانشیار زبان شناسی همگانی دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران
aasultani@yahoo.com
- تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۲

مقدمه

نفرت‌پراکنی نقض هرگونه آزادی بیان، حقوق افراد و گروه‌ها، حقوق اقلیت‌ها و همچنین مفاهیم کرامت، آزادی و برابری است. در قوانین ملی و بین‌المللی، نفرت‌پراکنی سخنی است که تحریک به آسیب رساندن به دیگری یا طرح بیانی حاوی تبعیض، تعصب یا خشونت باشد یا از آن حمایت کند و هدف آن گروهی اجتماعی یا جمعیتی خاص است. می‌توان گفت این پدیده سخنانی است که از اقدامات خشونت‌آمیز حمایت می‌کند یا به بروز این‌گونه اقدامات تهدید یا تشویق می‌کند. البته نفرت‌پراکنی فقط به این موارد محدود نمی‌شود. در نظر برخی پژوهشگران، مفهوم نفرت‌پراکنی به اظهاراتی بسط داده می‌شود که تقویت‌کننده فضای تعصب و نبود رواداری است، بر اساس این فرض که این تعصب‌ها ممکن است سبب تشدید حملات خشونت‌آمیز، خصومت و تبعیض هدفمند شود (Gagliardone, 2015: 11).

یکی از مسائلی که پژوهشگران در فضای مجازی و به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی مورد توجه قرار داده‌اند، پدیده «نفرت‌پراکنی اینترنتی» است. سخن گفتن از نفرت‌پراکنی در ارتباطات اجتماعی حوزه پژوهشی فعالی بوده است (2004 Delgado & Stefancic). به‌زعم آلماگور^۱ (۲۰۱۴) «نفرت‌پراکنی»^۲ نوعی گفتار خصمانه، کورکورانه و بدخواهانه در مورد شخص یا گروهی از افراد به دلیل خصوصیات درونی ادا کرده یا واقعی آنها است. این نگرش به ویژگی‌هایی نظیر جنس، نژاد، مذهب، قومیت، رنگ، خاستگاه ملی، ناتوانی یا گرایش جنسی به‌شدت متعصبانه، تبعیض‌آمیز، ارباب‌آمیز، نارواگر، و ستیزه‌جویانه است. به‌زعم این پژوهشگر، گفتار مذکور به‌منظور آسیب‌رسانی، تحقیر، آزار و اذیت، تخریب و یا قربانی‌سازی گروه‌های هدف و درنهایت اعمال خوی‌های وحشی‌گرانه جمعی در مورد آنها به‌کار می‌رود» (Almagor:4).

نفرت‌پراکنی اینترنتی علیه زنان موضوع درخور توجهی است و در این بین اینستاگرام به‌عنوان یکی از شبکه‌های اجتماعی محبوب (عبداللهی‌نژاد و مجلسی ۱۳۹۷؛ بیچرانلو و همکاران ۱۳۹۷) بستری مناسب برای گسترش نفرت‌پراکنی است. امروزه این شبکه اجتماعی موبایلی، فضا را برای گروه‌های تندرو، رادیکال و ضدزنان فراهم کرده است که کاملاً بی‌پرده و آشکارا سوژه زنان را آماج انواع و اقسام توهین‌ها قرار دهند و بدن زن را به ابژه‌ای خشونت‌زا بدل سازند. امکان تشکیل هویت‌های جعلی و تقلبی در این فضا بر این هجمه‌های بی‌پایان علیه زنان به‌شدت دامن زده است. علاوه‌براین اینستاگرام گاهی بدل به فضایی برای تخلیه امیال، آمال، احساسات و هیجانات شده است، که این ویژگی در سایه فقدان نهاد ارتباطی وسیع برای برقراری ارتباطات انسانی در بستر جامعه، به‌عکس خود یعنی خشونت

1. Raphael Cohen-Almagor
2. hate speech

افسارگسیخته بدل می‌شود. در واقع برخی کاربران ایرانی اینستاگرام به دلیل شرایط و بسترهای خاص جامعه ایرانی، مستعد پرخاشگری و خشونت تام و تمام هستند که اغلب این خشونت‌ها شکل و شمایی جنسیتی پیدا می‌کنند و دسترس پذیرترین چیز برای سرریزی این خشونت، اغلب تن زنانه است. در نهایت ماهیت اینستاگرام فضای گفتمانی را فراهم می‌کند که به ضرر زنان است. زنان در این فضای سیال و خارج از قاعده موردهجمه امیال نفرت‌پراکن از جانب انواع ایدئولوژی‌ها - به‌ویژه ایدئولوژی مردسالارانه - قرار می‌گیرند. نمونه‌هایی از این گفت‌وگوها شامل قلدری، محتوای توهین‌آمیز و سخنان نفرت‌پراکن است. این گفتمان‌های متنفرانه فضایی را به وجود می‌آورند که معمولاً «ما» را با زبانی توهین‌آمیز در برابر «آنها» قرار می‌دهد (Mondal ۲۰۱۸).

علاوه بر گفتمان‌های مردسالارانه، که خود یکی از علل ترویج نفرت‌انگیزی در مورد زنان است، گفتمان‌های نفرت‌آمیز زنان علیه زنان و بازتولید نفرت‌پراکنی‌ها، باعث رانده شدن زنان به حاشیه شده است؛ زانی که به‌مثابه «ما» در برابر زنان به‌مثابه «دیگری» قرار می‌گیرند. از این‌رو هدف نگارش مقاله حاضر، استخراج مؤلفه‌های نفرت‌آمیزی است که زنان علیه یکدیگر به‌کار می‌برند. رقبا از چه گفتمان‌هایی جهت تعریف زن و زنانگی استفاده می‌کنند و به چه طریقی عوامل و سوزه‌های گفتمان مقابل را به دیگری تبدیل می‌کنند؟

پیشینه تحقیق

هر چند پژوهشگران مختلفی از منظرهای گوناگون نظیر زبان‌شناسی محاسباتی، علم کامپیوتر، حقوق و علوم اجتماعی به بررسی پدیده «نفرت‌پراکنی» پرداخته‌اند (مودا و همکاران، ۲۰۲۰: ۴) و علی‌رغم وجود ادبیات پرطمطراق درباره «امر نفرت‌انگیز» در مجادلات علمی، هنوز هیچ تعریف واحدی از پدیده نفرت‌پراکنی وجود ندارد. اکثر پژوهشگرانی که در مورد مسئله نفرت‌پراکنی کار می‌کنند، هنگام توصیف پیامدهای این مسئله، از دریچه واژگان و اصلاحاتی نظیر «زبان توهین‌آمیز» (رضوی و همکاران، ۲۰۱۰)، ستیزه‌جویی (ریتش و همکاران، ۲۰۱۸) و قلدری مجازی بحث می‌کنند. فورتونا و نونز^۱ (۲۰۱۸) نیز پیمایشی درباره تشخیص نفرت‌پراکنی از منظر علوم رایانه‌ای انجام داده‌اند. آنها در پایان، چندین تعریف در مورد اصطلاح مذکور ارائه دادند که دربرگیرنده مجموعه‌ای از واژه‌ها نظیر «ناسزاگویی، پیام‌های توهین‌آمیز، افراط‌گرایی تا محتوای رادیکال» می‌شود. به‌زعم آنان نیز «هر نوع تلاشی برای ارائه تعریف جهان‌شمول از نفرت‌پراکنی به شکست می‌انجامد». به‌طور کلی نفرت‌پراکنی را می‌توان به معنی بیان تنفر به فرد یا گروهی از افراد - به‌علت ویژگی‌هایی که در آن سهمیم هستند یا گروهی که به آن تعلق دارند - دانست (چاریتیدیس و همکاران، ۲۰۲۰).

گسترش شبکه‌های اجتماعی مانند توئیتر، فیس‌بوک، اسنپ‌چت و اینستاگرام باعث شده است

نفرت‌پراکنی به‌راحتی ترویج پیدا کند. بخش بزرگی از نفرت‌پراکنی و مطالب توهین‌آمیز و زننده در اینترنت، چالش قابل توجهی برای جوامع ایجاد کرده است (سگلاو، ۲۰۱۶). اگرچه شبکه‌های اجتماعی مجازی محفلی مناسب برای برقراری ارتباط مؤثر و کارآمد فراهم می‌آورند، به‌عنوان ابزاری جهت ترویج نفرت‌پراکنی آنلاین نیز عمل می‌کنند. این امر به‌دلیل خصلت بازبودگی پلتفرم‌های محبوب شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک، توئیتر و اینستاگرام برای پخش محتوای حاوی نفرت‌پراکنی، اطلاعات حساس و موضوعات مورد مناقشه است.

بعد از بررسی ابعاد موضوعی پژوهش حاضر، مطالعات مرتبط با روش پژوهش ارائه می‌شود. از مطالعات انجام‌شده با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی می‌توان به پژوهش مرادی (۱۳۸۹) اشاره کرد. وی به تحلیل متون کتاب درسی زبان انگلیسی دوره سوم دبیرستان در ایران در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی با استفاده از روش ون دایک پرداخته و نشان داده است که ۹۱ درصد ایدئولوژی‌های مثبت و ۹ درصد ایدئولوژی‌های منفی در این کتب قابل تبیین است. همچنین آرایش متون و تصاویر نشان از مردم‌محور بودن و تبعیض جنسیتی دارد. صابرپور (۱۳۹۲) نیز در مقاله «بازنمایی جنسی در زمان رازهای سرزمین من» با به‌کارگیری چارچوب ون دایک (۱۹۹۸)، نحوه بازنمایی شخصی زنان را بررسی کرده است. آقاگل‌زاده و یاسمی (۱۳۹۵) نیز به تحلیل کتاب/مریکن/ینگلیش فایل با استفاده از مدل ون دایک پرداخته‌اند. نویسندگان، گفتمان این کتاب را ایدئولوژیک دانسته و هدف نویسندگان آن را توصیف و بررسی مسائل اجتماعی جوامع غربی و ارائه دانش ملی و فرهنگی این جوامع می‌دانند. این کتاب سبک زندگی، فرهنگ فردی و اجتماعی افراد در جوامع غربی و الگوهای فرهنگی آنها را بازنمایی کرده است. کلانتری و همکاران (۱۳۹۹) نیز به بررسی توثیت‌های دونالد ترامپ با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی ون دایک پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد ترامپ در سطح معنایی از عناصر زبان‌شناختی بسیاری استفاده کرده و در سطح سبک به واژه‌گزینی و حذف عمدی برخی واژه‌ها دست می‌زند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد کاربران توئیتر به‌طور پیوسته در مواجهه با گفتمان‌های ایدئولوژیک هستند.

درنهایت در مطالعات حوزه نفرت‌پراکنی، به اهمیت گفتمان زنان و نفرت‌پراکنی آنها به یکدیگر توجهی نشده است و پژوهش حاضر سعی در پر کردن این خلأ پژوهشی دارد. گفتمان زنان در این رویکرد، منجر به ایجاد بازنمایی از زنان «ما» در برابر «دیگری» می‌شود. پس با توجه به بحران ایجادشده در جامعه و نفرت‌پراکنی زنان درمورد یکدیگر، مقاله حاضر سعی دارد چگونگی تأثیر گفتمان نفرت‌پراکنی زنان را در ایجاد بازنمایی از آنها مطالعه کند؛ از این رو این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که چگونه رویکرد گلیردونه، مؤلفه‌های موجود در گفتمان زنان را، که منجر به تولید نفرت می‌شود، استخراج می‌کند.

چارچوب نظری تحقیق

شبکه‌های اجتماعی از قبیل فیس‌بوک، توئیتر و گوگل تعریف‌های خاص خود را از نفرت‌پراکنی ارائه کرده‌اند تا براساس آن، کاربرانشان به یک‌سری قواعد پایبند شوند و این امکان برای شرکت‌های مذکور فراهم شود تا شکل‌های خاصی از بیان را محدود کنند. نهادهای ملی و منطقه‌ای نیز تلاششان در ترویج این محدودیت‌ها است که ریشه در سنت‌های محلی دارد؛ ولی علی‌رغم این تلاش‌های پشت‌پرده، دستیابی به تعریفی جهان‌شمول از عبارت نفرت‌پراکنی تقریباً غیرممکن است. علاقه مشترک به جلوگیری از خشونت و حفظ کرامت انسانی، بحث‌های مطرح درباره نفرت‌پراکنی را به فرصتی برای ذی‌نفعان مختلف تبدیل کرده است تا با هم‌اندیشی به دنبال یافتن راه‌حل‌های مرتبط محلی باشند (Gagliardone, 2015: 8).

مطلبی که نفرت‌انگیز تلقی می‌شود، دو نوع پیام را از طریق متن، تصویر یا صدا منتقل می‌کند. پیام اول برای گروهی هدفمند است و هدف از آن تحقیر و خوار کردن افرادی است که عضو گروه هدف قلمداد می‌شوند که از طریق عبارات زبانی مانند «خودتان را گول نزنید که از شما استقبال می‌شود»، «کسی شما را نمی‌خواهد»، «هرگاه بتوانیم کاری کنیم و قسر در برویم»، «شما و خانواده‌هایتان منزوی شده و از جامعه طرد، جدا، بیرون‌رانده و مضطرب می‌شوید»، و «ممکن است حالا بخوایم این مسئله را زیاد پررنگ نکنیم، اما خیلی احساس راحتی نکنید بلکه بترسید!» نمود پیدا می‌کند.

کارکرد دیگر نفرت‌پراکنی این است که افراد دارنده همان دیدگاه مشابه بدانند که تنها نیستند و از این طریق، حس عضویت در گروه برای افرادی که ظاهراً تهدید می‌شوند، تقویت شود. پیام متعارفی که بر این اساس برای افراد دارای نگرش مشابه فرستاده می‌شود به شکل زیر است:

«ما می‌دانیم برخی از شما با ما موافقید که کسی آنها را در اینجا نمی‌خواهد»، «می‌دانیم برخی از شما حس می‌کنید آنها کثیف، خطرناک، جنایتکار یا تروریست هستند»، «حالا بدانید که شما تنها نیستید. به اندازه کافی افرادی همانند ما هستند که اطمینان حاصل شود کسی آنها را در اینجا نمی‌خواهد»، «آنقدر آدم شبیه ما در اینجا است که توجه‌ها به ماهیت واقعی آنها جلب شود».

نفرت‌پراکنی مبتنی بر تنش‌هایی است که تلاش در بازتولید و تقویت آنها دارد. چنین گفتاری هم می‌تواند عامل وحدت باشد هم عامل تفرقه. این سخنان سبب ایجاد گفتمان «ما» در مقابل «آنها» می‌شود (Gagliardone, 2015: 11). مفهوم نفرت‌پراکنی خود نیز موضع مناقشه است. برداشت نخست برداشتی در سطح کلان از این مفهوم است که نفرت‌پراکنی را مفهومی وسیع با توانایی خاص می‌پندارد. برداشت‌های محدودتر از این مفهوم عبارت است از «سخن خطرناک» یا «کلام هراس‌آفرین». هر دو این مفاهیم جهت تمرکز بر قدرت سخن در آسیب رساندن و ایجاد خشونت بسط یافته‌اند. با آنکه سخن توأم با نفرت‌پراکنی، تقریباً در همه جوامع، حتی جوامعی که ریسک خشونت در آنها محدود است، دیده می‌شود، هدف از سخن خطرناک، متمایز و مجزا کردن کنش‌هایی است که احتمال نقش‌آفرینی آنها به صورت «کاتالیزور یا تشدیدکننده خشونت یک گروه علیه گروه دیگر»

چشمگیر است (12: Gagliardone, 2015).

در این پژوهش نمادهایی که اینستاگرام، به‌عنوان یک شبکه اجتماعی مهم، در تولید معنای اجتماعی نفرت‌پراکنی زنان علیه زنان بازتولید می‌کند، اهمیت تامی در انواع و اقسام صورت‌بندی‌های گفتمانی علیه زنان دارد. معنایی که در گفتمانی برساخت می‌شود می‌تواند نفرت‌پراکنی را تبدیل به جریان و پیامدهای اجتماعی زیادی کند.

روش تحقیق

از آنجاکه تحلیل گفتمان انتقادی ون دایک کارکرد زبان را ایدئولوژیک می‌داند و به دنبال مطالعه تأثیر ایدئولوژی بر گفتار و بازتولید ایدئولوژی توسط گفتمان و رسیدن به لایه‌های نهانی متون است، این نوشتار برای شناسایی مؤلفه‌های اصلی نفرت‌پراکنی و ارتباط آن با اجتماع بررسی می‌شود؛ لذا رویکرد کیفی تحلیل گفتمان بر پژوهش، حاکم است. ون دایک اساساً تحلیل گفتمان را تحلیل ایدئولوژی می‌داند و در تحلیل ایدئولوژی‌ها بر ساختارهای اجتماعی، سازمانی، روابط گروهی و ساختارهای گروهی تأکید می‌کند (ون دایک، ۱۳۸۲). یکی از اهداف مهم روش تحلیل گفتمان، رسیدن به رهیافت انتقادی به متن و کنشگران اصلی آن است. از این رو روش مذکور رویکردی نقادانه و نسبتاً منفی‌نگر به متن و مجموعه بافتاری آن دارد. در این مقاله، تمامی ابعاد و زوایای خلق متن، از دستور زبان گرفته تا تفسیر نگرش‌های کنشگران، مورد بررسی و بازکاوی قرار گرفته است. در نتیجه با محور قرار دادن خود متن و لحاظ کردن نظام زمینه‌ای آن، تحلیل و تبیینی از مفاهیم و معانی نهانی و لایه‌های مکتوم متن انجام می‌شود. این لایه‌های نهانی را «معانی بین‌سطری» یا «میان‌متنی» می‌گویند. جمعیت هدف در این تحقیق، متون نوشته‌شده به‌عنوان کامنت و پست است که حاوی گفتمان نفرت‌پراکن است. با توجه به رهیافت تحلیل گفتمانی تئون ای. ون دایک، فرم ویژه‌ای برای ثبت و استخراج اطلاعات از خبرهای منتخب از پست‌ها و کامنت‌های انتخاب‌شده از صفحات اینستاگرامی زنان فعال در نظر گرفته شد؛ بنابراین داده‌های این پژوهش شامل متون تصویری، نوشتاری و محتوایی است. سپس با استفاده از ابعاد و شاخص‌های مشخص‌شده، عوامل گفتمانی تعیین گشته و در ادامه با پیوند و ارتباط مکانیزم‌های زبان‌شناختی کشف‌شده با شرایط و زمینه‌های مرتبط با گفتمان، تحلیل نهایی انجام شد. این فرم حاوی یازده کارویژه است. سه کارویژه اول، کاربر «تاریخ و عنوان» است که گویای اطلاعات شناسه‌ای متن پست‌ها است. سایر کارویژه‌ها، که از طریق آنها می‌توان نظام گفتمانی تبلیغاتی حاکم بر کامنت‌ها را شناخت، نوع انگاره‌سازی این نظام گفتمانی در مورد زنان را بررسی کرد، انگاره‌های موجود در مورد زنان ایرانی را بازکاوی کرد و همچنین مقولات متنی و درون‌متنی متون را شناسایی کرد، عبارتند از: سبک واژگان (مثبت و منفی)، افراد و نهادهای مطرح‌شده در متن (مثبت و منفی)، قطب‌بندی یا غیرسازی، استنادها، پیش‌فرض‌ها، تلقین و تداعی‌ها و گزاره‌های اساسی متن‌ها.

محقق در گام اول کارویژه‌ها را بر متون انتخابی اعمال کرده و داده‌های به‌دست‌آمده را در قالب

جدول مختص هر متن ارائه کرده است. متن‌های هر کاربر پس از استخراج مقولات و کارویژه‌های متنی از هر متن، در نهایت تحلیل و تفسیر فرامتنی شده که به پاسخگویی به سؤالات تحقیق می‌انجامد. برای نمونه‌گیری ابتدا سلبریتی‌ها و افراد دارای فالوور حداقل بیش از پنج‌هزار نفر در اینستاگرام شناسایی شده و متونی که با مضمون نفرت‌پراکنی توسط ایشان استفاده می‌شده، به‌صورت هدفمند شناسایی شده است. بعد از مشاهده پست و کامنت‌ها با لحاظ جمعیت هدف، ماهیت تحقیق و اهداف پژوهش، نمونه‌هایی برای انجام این تحقیق مشخص گردید. از دیدگاه نظریه‌پردازان گفتمان مانند ون دایک، و فرکلاف برای نمونه‌گیری در تحلیل گفتمان، داده‌هایی باید انتخاب گردند که بازنمای خوبی برای گفتمان موردنظر باشند. همچنین سعی شد روند گذر زمان با توجه به زمان پست‌ها و کامنت‌ها در نظر گرفته شود. پست‌ها و کامنت‌های صحیح، با دقت تمام کارشناسان این حوزه انتخاب گردیده که در جدول زیر معرفی می‌شوند.

جدول شماره ۱. لیست کاربران و صفحات مورد مطالعه

ردیف	نویسنده	نام کاربری	تعداد دنبال‌کنندگان	تعداد پست منتشر شده	معرفی صفحه
۱	یاسمین کریمی	yasaminkarimi.therapy	۲۰,۶ K	۱۱۳	روان‌درمانگر - مدافع سلامت روان
۲	نازنین بهدادفر	nazanin.behdadfar	۴۱,۵ K	۲۹۳	هر زنی صدایی دارد که می‌تواند جهان را تغییر دهد. نویسنده، دانشجوی روان‌شناسی، سخنران، فعال زنان.
۳	آنالی اکبری	Analiakbari	۳۹,۲ K	۱۴۴۷	برای ورود به این صفحه تخیل و حس شوخ‌طبعی خود را فعال کنید.
۴	الهام نابیچ	elham_naej	۶۶۳۴	۱۳۴	دانشجوی دکترای ادبیات - رو مان‌های عاشقانه ایرانی کار می‌کنم - به وقتایی فارسی تدریس می‌کنم.
۵	الی خرسندفر	Eli.khorsanfar	۷۴,۳ K	۷۳۴	به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل و گر مراد نیابم به قدر وسع بکوشم - پژوهشگر حوزه جامعه‌شناسی
۶	نسرین افضلی	feminism.everyday	۱۵۲ K	۲۸۴۸	حقوق زنان و فمینیسم - توهین به ادیان و عقاید آزاد
۷	نجمه واحدی	Najmevaahedi	۴۷,۶ K	۲۶۸	تو مگو همه به جنگند و ز صلح من چه آید تو یکی نه‌ای هزاری، تو چراغ خود بیفروز
۸	مری	mariyan_sr	۲۹,۱ K	۷۵۲	عکاس تبلیغاتی -

ردیف	نویسنده	نام کاربری	تعداد دنبال‌کنندگان	تعداد منتشر شده	معرفی صفحه
					اینجاییم تا کنار هم کتاب بخونیم و تمرین کنیم خودمون رو بیشتر دوست داشته باشیم- با طعم شکلات و عطر وانیل
۹	بانوی زمستان	banooye_zemestan	K ۳۳۱	۱۴	زنان سرزمین من- زن، شناخت او و خشونت‌های روبه‌رو- دوستان این پیج برای آشنایی با حقوق زنانه. پس لطفاً مطالب رو بخونید بعد لایک کنید.
۱۰	انقلاب زنانه	women.revolution	K ۴۸,۴	۹۹۴۴	انقلاب ایران یک انقلاب زنانه است- انقلاب انسانی برای ایجاد حکومت انسانی و جامعه‌ای برابر، آزاد، سکولار و مرقه برای همه
۱۱	مریم دهکردی	maryamdehkordii7	۶۲۴۳	۷۳۴	روزنامه‌نگار و عضو تحریریه ایران وایر
۱۲	زنان آگاه	Zananeagah	K ۲۰,۹	۷۶۵	اینجا درباره زن می‌نویسیم... اما هم برای زنان و هم مردان آگاه- شعار ما: اندیشه، آگاهی، اعتمادبه‌نفس
۱۳	توسعه زنان	zanan_tosee	K ۱۵	۱۱۱	اطراف زنان، همین حوالی
۱۴	صبا عبداللهی	saba.abdollahiii	۹۴۵۴	۵۸	دانش‌آموخته فلسفه غرب دانشگاه تهران / پژوهشگر حوزه زنان سردبیر نشریه بیداد
۱۵	تهمینه میلانی	Tahminehmilani	M۱,۷	۳۵۰۶	-
۱۶	فرانک عمیدی	faranak_amidi	K ۲۵۴	۶۱۷۲	خبرنگار حوزه زنان
۱۷	سمانه سوادی	samaneh_savadi	K ۲۲۲	۸۱۱	فمینیست- فعال برابری جنسیتی- ارشد حقوق جزای بین‌الملل- تهیه‌کننده ایران اینترنشنال
۱۸	الهام فلاح	jomalate_amouzandeh	K ۴۹۱	۳۳۹۷	جملات آموزنده- در کنار هم بخوانیم و بیاموزیم- کتاب انرژی مثبت
۱۹	الهام فلاح	khabarhayeh_khoob	K ۳۳۱	۳۰۵۷	هدف حال خوب شماست.

ردیف	نویسنده	نام کاربری	تعداد دنبال‌کنندگان	تعداد پست منتشر شده	معرفی صفحه
۲۰	شهلا ظهوریان	clean.minded	K ۱۵۵	۸۹۳	پنجره‌ای رو به تفکر، آگاهی و انسانیت - دنیا را جای بهتری برای زیستن کنیم.

نمونه‌گیری در این پژوهش براساس دو اصل اشباع‌پذیری و هدفمندی انجام گرفته است. از آنجاکه پست‌ها و کامنت‌های موجود در اینستاگرام بسیار زیاد بود، پژوهشگران برای اجتناب از ایجاد نمونه‌هایی با حجم زیاد، از نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند بهره بردند. با توجه به اینکه هدف این تحقیق بررسی گفتمانی نفرت‌پراکنی زنان در اینستاگرام است، داده‌های موردنیاز این پژوهش، پست‌ها و کامنت‌های اینستاگرامی بوده که مرتبط با زنان است. با توجه به واحد ثبت، واژگان نفرت‌آمیز از مجموع تقریباً ۱۲۰ هزار پست جمع‌آوری شده، حدود هزار پست تصفیه شد و از این میان، نزدیک به ۱۰۰ پست و کامنت کدگذاری شده و بیش از ۲۰ پست و کامنت مطابق با معیارهای مسئله اصلی مقاله، توهین و نفرت‌پراکنی زنان علیه زنان، جهت تحلیل انتخاب شد. جهت افزایش اعتبار تحقیق، محقق در قسمت پیاده‌سازی و توصیف داده‌ها، صرفاً به توصیف داده‌ها پرداخته است، نه تفسیر آنها و به این ترتیب عین متن پیاده‌سازی شده است. محقق یافتن نشانه‌ها در متن را، تا زمانی که به اشباع نرسیده، ادامه داده است. در گزارش تحقیق، بیان دو یا چند نشانه برای پرهیز از طولانی شدن، کافی است.

در این پژوهش، برای هر شاخص زبانی، چند نشانه در متن ارائه شده است و علاوه‌بر محقق، دو مشاهده‌گر دیگر نیز جهت انتخاب و ثبت پست‌ها و کنترل مشاهدات محقق حضور داشتند؛ نشانه‌هایی که نمایانگر مضمون‌های به‌دست‌آمده از تحلیل متن، هستند نیز معرفی شده‌اند. در این تحلیل از شاخص تناسب برای دستیابی به توافق استفاده شده است. به این ترتیب که دو تحلیل‌گر آشنا با فنون تحلیل گفتمان انتقادی، هر کدام حدود ده درصد از نمونه متن‌های این تحقیق را تحلیل کردند. درصد توافق بین تحلیل‌گران با بررسی شاخص تناسب بین تحلیل‌ها بدین‌صورت سنجیده شده است: در این رویکرد تعداد مکانیزم‌های زبان‌شناختی مطلوب بر تعداد کل مکانیزم‌ها تقسیم شد؛ به بیان دیگر:

تعداد مکانیزم‌های متناسب بین تحلیل‌گران = شاخص تناسب

/ کل تعداد مکانیزم‌های زبان‌شناختی مورد استفاده در تحلیل

نتایج حاصل از مقایسه تحلیل دو مشاهده‌گر دیگر در این تحقیق تناسب ۸۵ درصدی را نشان می‌داد که این میزان جهت حصول روایی تحقیق معتبر است.

یافته‌های تحقیق

باتوجه به حجم گسترده متون و رسیدن به فرایند اشباع، صرفاً نمونه‌هایی از داده‌ها موردبررسی قرار گرفته‌اند. متون انتخابی با سباز جداگانه و با گیومه از فرآیند تحلیل متون متمایز شده است. متن (۱):



نکته: تصویر فوق به دلیل مسائل حقوقی فیلتر شده و در صفحه اینستاگرامی بدون فیلتر و در قالب ویدئو منتشر شده است.

«کاربرد عباراتی مانند زن باید خنگ باشه یا زبر و زرنگ» معیارهای مردسالاری سرکوب‌گر را دائماً بازتولید و بازنشر می‌کند. در ادبیات فمینیستی، زنانی که از این نوع عبارات استفاده می‌کنند سرباز پیاده مردسالاری نامیده هستند؛ زیرا به‌طور بالقوه پیامی که در نظام اجتماعی و فرهنگی مردسالاری به زنان القا می‌شود «کمتر بودن» است؛ به این معنا که زنان باید به اندازه‌ای کوچک شوند که با قالب تنگی که مردسالاری برای زن بودن و «زنانگی» تعریف کرده منطبق شوند. پیام‌هایی مانند «مدرک می‌خواهی بگیری چی کار؟ آخرش که باید شوهر کنی!» نیز عباراتی هستند که به‌طور ضمنی محدود بودن آرزوهای زن را به وی القا می‌کنند. در این طرز تفکر به‌صورت مرتب مفهوم کمتر بودن و نیاز داشتن به سرپناه، به زن القا شده و هم‌زمان پیام قوی بودن و مدیر بودن هم به مرد القا می‌شود. گفتمان حاضر علاوه بر حفظ مردسالاری در جامعه، مردانگی مرد را هم زیر سؤال می‌برد؛ زیرا این‌گونه به مردان القا شده است که اگر از زنی در چیزی کمتر باشد، فاجعه است و «مردانگی مرد» خدشه‌دار می‌شود.

گفتمان‌های نسبت‌داده به زنان (درون‌مایه متن‌ها)		
واژگان	مثبت	آرزوهای بزرگ، هوش، ذکاوت، قدرت، مدیریت
	منفی	سرکوب‌گر، مردسالاری، قالب تنگ، ضعیف، دروغ و تظاهر، فاجعه، جنده، پتیاره، پاچه‌پاره، ازخودراضی، دریده، سنگدل، سرکوب، زن‌ذلیل، پاچه‌خوار، نامرد، خنگ، کم‌هوش‌تر، احمق، وحشتناک، زنیکه کهیر، برده، تحقیر.
افراد و نهادها	مثبت	فمینیسم
	منفی	نظام اجتماعی و فرهنگی مردسالاری، موعظه‌گرا، دانشگاه.
ارزش‌ها	خود	بزرگ بودن دنیای زنان
	دیگری	سرباز پیاده مردسالاری، برده جنسی، احمق، زنیکه، ناآگاه، هدف و آرزوهای محدود، در خدمت مردسالاری
استناد	ارجاع به پست روان‌شناس زن.	
پیش‌فرض‌ها	زنانی که در پی بازتولید ارزش‌های مردسالاری هستند ناآگاه بوده و نیاز به آموزش دارند.	
دلالت	زنانی که با آموزه‌های فمینیستی آشنایی ندارند به زنان خیانت می‌کنند و پیاده سرباز مردسالاری هستند.	
مؤلفه‌های اجماع	متن با نقد دیدگاه زن روان‌شناس و آوردن فکت‌هایی از نگاه جنسی به زنان در نظام مردسالاری، سعی در مخالفت با نظام مردسالاری و زنانی که این نظام را بازتولید می‌کنند، دارد.	
	زنان ناآگاه باعث بازتولید نگاه مردسالارانه هستند. فمینیست و آموزه‌هایی فمینیستی راه نجات زنان است. خشونت علیه زنان حامی مردسالاری و توهین و تحقیر راه نجات فمینیست است. نظام حاکم بر ایران نظام مردسالارانه است.	

جدول ۲. درون‌مایه متن اول در خصوص تحلیل گفتمان نفرت‌پراکنی اینستاگرامی زنان علیه زنان

پنج‌شنبه، ۱۵ آبان ۱۳۹۸ (۶ نوامبر ۲۰۱۹)

متن (۲):

«بزرگ‌ترین دشمن زن فقط از بین همجنس‌های خودش می‌تواند باشد: اگر خانمی یک رنگ شاد بپوشد، یک زن او را متهم به جلف بودن می‌کند. اگر بلند بخندد، از دید یک زن سبک‌سر است. اگر دختری شاد و سرحال باشد، برای جلب توجه است. اگر از داشتن خواستگار مناسب خوشحال باشد، منتظر شوهر و بی‌حیاست. اگر از ازدواجش ناراضی باشد، حواسش جای دیگری است. اگر طلاق بگیرد، خطرناک برای زندگی دیگران است. اگر شوهرش بمیرد، باید تارک دنیا شود.»

اگر وارد میان‌سالی شود، همه چیز از او گذشته...
 اما اگر پسری با چند دختر دوست باشد، افتخار است.
 اگر صد جا خواستگاری برود و دختران دیگر را منتظر بگذارد زرنگ است.
 اگر چند زن را همزمان بخواهد، از دید همه مقصر زن اوست که نتوانسته نیازهایش را برطرف کند.
 اگر زنش را طلاق بدهد، یعنی زنش عرضه نگهداری زندگیش را نداشته است.
 اگر همسرش بمیرد، باید سریع زن بگیرد، چون مرد بدون زن نمی‌تواند خودش را جمع‌وجور کند!
 مسلماً مردان کمتری در موردش سخن‌پراکنی خواهند نمود.
 کاش ما خانم‌ها کمی با ملاحظه‌تر در مورد همدیگر صحبت کنیم».

گفتمان‌های نسبت‌داده به زنان (درون‌مایه متن‌ها)

واژگان	مثبت	رنگ شاد، بلند خندیدن، شاد و سرحال، خوشحال، خواستگار مناسب، افتخار، زنگ، با ملاحظه.
	منفی	دشمن، همجنس، متهم، جلف بودن، سبک سر، جلب توجه، منتظر شوهر، بی‌حیا، خیانت، خطرناک، مرگ، تارک دنیا، چندتا دوست‌دختر، سرکار گذاشتن، مقصر، بی‌عرضه.
افراد و نهادها	مثبت	دختر شاد و سرحال و امروزی
	منفی	زن سنتی، ساختار مردسالاری و زن‌ستیزی
ارزش‌ها	خود	شاد و سرزنده
	دیگری	کرختی و سیاه
استناد		ارجاع به خصوصیات رفتاری زنان و مردان امروزی و سنتی و مدرن.
پیش‌فرض‌ها		نویسنده معتقد به «از خودی ضربه خوردن» است و هرآنچه ضدزن و نامهربانی با زنان است با میانجی عدم آگاهی و بی‌ملاحظگی زنان در بند سنت است.
دلالت		ریشه‌های ناآگاهی زنان سنتی، در مردسالاری و مرددوست بودن است که عاملیتی در خدمت مردان هستند.
مؤلفه‌های اجماع		متن با آوردن نمونه‌هایی از زشتی‌ها و القاب و برچسب‌های سیاه، سعی در مطهر کردن آرمان‌ها و خصوصیات رفتاری زنان و دختران امروزی دارد که فارغ از عرف هستند و در بند سنت‌ها و ارزش‌های زنان سنتی نیستند.
گزاره‌های اساسی		- زنان باعث بازتولید نگاه مردسالارانه هستند. - زنان حامل خشونت علیه زنان هستند. - تبعیض جنستی و نگاه سکسیستی به زنان توسط زنان همجنس باز تولید می‌شود.

جدول ۲. درون‌مایه متن اول در خصوص تحلیل گفتمان نفرت‌پراکنی اینستاگرامی زنان علیه زنان

چهارشنبه، ۷ خرداد ۱۳۹۹ (۱۷ می ۲۰۲۰)

متن (۳):



«حامی دخترش می‌شود اما تا حدی که پایش را از گلیمش درازتر نکند». دایره آزادی یک زن توسط نظام تبعیض جنسیتی و ارزش‌های سنتی اخلاق تعریف می‌شود. هر دو نظام زن را به‌مثابه کالایی تعریف می‌کنند که مالکیت آن به عهده مرد است؛ یکی مردی که وی را به‌دنیا آورده و دومی خانه‌بخت. عکس پروفایل و نوشته نشان از پذیرفتن نظام مردسالاری و پذیرش سکسیسم است؛ به این ترتیب که با استفاده از ایموچی روی صورت خود، خود را به‌عنوان ناموس مرد از دید دیگران پنهان کرده و مالکیت مرد را به رسمیت شناخته است. در این پست زن خود تبدیل به عامل نظام تبعیض جنسیتی شده است و توانایی تبدیل شدن این جامعه از زنان به افرادی مانند کربلایی‌رضا اشرفی و کلب‌حسن (کربلایی حسن) خانه پدری وجود دارد.

گفتمان‌های نسبت‌داده به زنان (درون‌مایه متن‌ها)

واژگان	مثبت	قانون برابر زن و مرد، آگاهی‌بخشی، نجات از سیطره سکسیسم.
	منفی	خانه‌بخت، نظام تبعیض جنسیتی، ارزش‌های سنتی اخلاق، زن به‌مثابه کالا، گرفتن جان، قتل، ناموس، مالک بودن مردان، سکسیسم، قربانی، خشونت، عرف، مرگ، نفرین.
افراد و نهادها	مثبت	زن فمینیست آگاه، قانون، رومینا.
	منفی	زنان سنتی، عرف، سارا، کربلایی‌رضا اشرفی، کلب‌حسن (کربلایی حسن)، خانه پدری.
ارزش‌ها	خود	قانون جدید، زنان آگاه، فمینیست به‌مثابه رستگاری
	دیگری	سنتی و عرفی، قاتل، خشونت، همدست قاتل، سنت‌ها به‌مثابه کشتار، مذهبی
استناد		ارجاع به فیلم خانه پدری، ارجاع ماجرای قتل رومینا توسط پدرش به‌عنوان فردی مذهبی و کربلایی.
پیش‌فرض‌ها		هرآنچه از صافی سنت‌ها و عرف بگذرد، محکوم به جنایت و قتل است و پا گذاشتن روی سنت‌ها با ابزاری چون داس همراه است.
دلالت		عامل جنایت و استفاده ابزاری از زنان، زنان سنتی و ناآگاه هستند.

<p>متن با برشمردن نمونه‌هایی از جنایت و قتل دختران و آوردن مثال‌های از جنس سارا و مردان خانۀ پدری، مخاطب خود را در نکوهش سنت‌ها و خانۀ پدری همراه می‌سازد. گویی که تنها راه نجات و رستگاری برافکندن این خانه است که زن سنتی به‌مثابه مادر ستون‌های آن را محکم‌تر می‌کند.</p>	<p>مؤلفه های اجماع</p>
<p>- زنان سنتی همدست مردان سنتی و به‌مثابه قاتل معرفی می‌شوند. - برجیدن سنت‌ها و عرف جامعه و پی‌ریزی قانون مدرن راه رستگاری است. - مذهب به‌مثابه داس عامل قتل و کشتار است. - زنان در سنت و مذهب به‌عنوان ابزاری جهت ارضای نیازهای جنسی مردان تعریف شده‌اند. - هر آنچه سنتی و عرف است، خطرناک بوده و منجر به سرکوب و کشتار می‌شود.</p>	<p>گزاره های اساسی</p>
<p>جدول ۴. درون‌مایۀ متن سوم در خصوص تحلیل گفتمان نفرت‌پراکنی اینستاگرامی زنان علیه زنان</p>	

شنبه، ۱۰ خرداد ۱۳۹۹ (۳۰ می ۲۰۲۰)

متن (۴):

«یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌هایی که زنان به هم می‌زنند، کوفتن بر سر یکدیگر و کوتوله نگه داشتن هم‌جنس است. یعنی چه؟

اگر سابقۀ کار کردن زیر دست یک مدیر خانم را داشته باشید، اگر کارمند یک وزیر و رئیس خانم باشید، اگر یک پلیس خانم شما را دستگیر کند، اگر مادرشوهرتان پزشک یا استاد دانشگاه باشد، اگر رئیس صفتان یک خانم باشد، اگر جای پیشرفت و ارتقاء و ترفیع رتبه‌تان در گرو حسن نظر یک خانم باشد، باید خیلی خیلی خوش‌شانس باشید که از جایگاه، قدرت، سواد و دارایی خود برای کوتوله نگه داشتن شما استفاده نکنند. دقیقاً به‌مثابه چکشی که باید بر سر هم‌جنس کوفته شود، بسیاری از زنان همین راهکار را برای بزرگ و مهم و برتر نمایش دادن خود استفاده می‌کنند. که باید از ایشان ترسید. اینکه چرا زنان در زمان احساس خطر و دیدن روند صعودی زنی دیگر در کنار خود، به‌جای تلاش برای فراکشیدن خود، سعی در فرونشاندن دیگری دارند، تحلیل‌های مفصلی نیاز دارد که نقطۀ آغاز آن می‌رسد به نگاه جنسیتی و تلقی و تعریف جامعه از زن و تعریف پیروزی و خوشبختی در ذهن زنانه. مقصودم براثت مردان از این قسم رفتارها نیست. اما اگر زن هستید با زنان مهربان باشید. اگر زن هستید و صاحب کرسی و جایگاهید زخم تازه بر تن زنان کنارتان نزنید. شاید بیایید و زیر این پست بنویسید این خود مصداق علیه زنان بودن است؛ چراکه نگارنده این سطور زن است. اما صرف زن بودن باعث نمی‌شود واقعیت را کتمان کنم و زشتی‌های برخورد زنان با زنان را علی‌الخصوص در جامعۀ بیرون از خانه نشان ندهم. نیتم تحقیر و تمسخر نیست. می‌خواهم از چشم سوم به ارتباط خود با زنانی که در اجتماع و محل کار و دانشگاه و کوچه و خیابان و ... با آنها مرتبط هستید بیندازید و یادتان باشد، جای اینکه جلو بزرگ شدن و پیشرفت دیگری را بگیرید، برای رشد خودتان تلاش کنید. آن‌وقت حتماً زن و انسان بهتری خواهید بود. بی‌کینه و بی‌بغض.»

گفتمان‌های نسبت‌داده به زنان (درون‌مایه متن‌ها)		
واژگان	مثبت	پیشرفت، ارتقاء، ترفیع رتبه، حسن نظر، خوش شانس، قدرت، سواد و دارایی، مهربان، بی‌کینه، بی‌بغض
افراد و نهادها	منفی	آسیب، کوفتن بر سر یکدیگر، کوتوله نگه داشتن هم‌جنس، ترسیدن، سرکوب، تحقیر و تمسخر.
	مثبت	زن فمینیست
ارزش‌ها	منفی	مدیر خانم، وزیر و رئیس خانم، پلیس خانم، پزشک یا استاد دانشگاه.
	خود	فمینیست
استناد	دیگری	زنان خودخواه، زنان تنگ‌نظر، برخورد زشت زنان با زنان، زنان فرودست.
		ارجاع به دیدگاه و نگاه حسادتی و تحقیرآمیز زنان رده‌بالا به زنان زیردست خود.
پیش‌فرض‌ها		یکی از بزرگ‌ترین آسیب‌هایی که زنان به هم می‌زنند کوفتن بر سر یکدیگر و کوتوله نگه داشتن هم‌جنس است.
دلالت		زنان به‌مثابه مردان در نظام مردسالار سرکوب‌گر و خشن هستند.
مؤلفه‌های اجماع		متن از جایگاه زن بودن مدعی است که زن بودنش باعث نمی‌شود واقعیت را کتمان کند و زشتی‌های برخورد زنان با زنان را علی‌الخصوص در جامعه بیرون از خانه نشان ندهد.
گزاره‌های اساسی		<ul style="list-style-type: none"> - زنان باعث بازتولید نگاه مردسالارانه هستند. - فمینیست و آموزه‌هایی فمینیستی راه نجات زنان است. - زنان در محیط خارج از خانه در معرض سرکوب و خشونت هم‌نوع خود قرار می‌گیرند. - زنان موفق در جامعه از موفقیت خود برای سرکوب زنان و به رخ کشیدن خود استفاده می‌کنند. - نگاه جنسیتی و تلقی و تعریف جامعه از زن و تعریف پیروزی و خوشبختی در ذهن زنانه باعث خشونت علیه زنان فرودست می‌شود.

جدول ۵. درون‌مایه متن چهارم در خصوص تحلیل گفتمان نفرت‌پراکنی اینستاگرامی زنان علیه زنان

تاریخ انتشار: چهارشنبه، ۲ مهر ۱۳۹۹ (۲۳ سپتامبر ۲۰۲۰)

متن (۵):

«از مصادیق بارز خشونت زنان علیه زنان را می‌توان در بسیاری از مطب‌های متخصصین زنان و زایمان یافت. زنانی که به‌واسطه مواجهه با خصوصی‌ترین بخش آناتومی زنانه به خود اجازه دخالت، ابراز نظر و تعیین تکلیف که هیچ، حتی ارزش‌گذاری و تحقیر و تأیید هم می‌دهند. به متخصص زنان ارتباطی ندارد اگر دختری ازدواج نکرده اما باکره نیست. به متخصص زنان ارتباطی ندارد چرا زنی نمی‌خواهد بچه بیاورد یا می‌خواهد شش تا بچه بیاورد. (مگر با سلامت زن ارتباط معنادار داشته باشد). به متخصص زنان ارتباطی ندارد چرا کسی به جراحی‌های زیبایی ژنی‌تال تن نمی‌دهد.

متخصص زنان حق ندارد زنی را بابت اضافه‌وزن تحقیر کند.
 به متخصص زنان ربطی ندارد چرا یک زن متأهل از آخرین رابطه‌اش سه سال گذشته.
 متخصص زنان حق ندارد زنی را برای اینکه زیر بار ویزیت سونوگراف مرد نمی‌رود تحقیر کند.
 به متخصص زنان ربطی ندارد که به دختری بگوید دارد پیر می‌شود و چرا هنوز باکره مانده و ازدواج نمی‌کند.

به متخصص زنان ربط ندارد که به تازه‌مادر بابت شیر ندادن به نوزادش عذاب وجدان بدهد.
 به متخصص زنان ارتباطی ندارد چرا دختری پیش از عروسی از نامزد خود باردار شده است.
 به متخصص زنان ارتباط ندارد که مشکلات عاطفی و زناشویی بیمار را تحلیل و گناهکار تعیین کند.

متخصص زنان حق ندارد با زنی برخورد زشت و پرخاشگرانه داشته باشد چون در آستانه یائسگی باردار شده است.

متخصص زنان حق ندارد زنی را بابت سردمزاجی تحقیر کند و او را گناهکار بداند.
 قرار گرفتن روی تخت معاینه متخصصین زنان و زایمان برای هر زنی معذب‌کننده، همراه با درد و شرم و انواع احساسات ناخوشایند است. کاش پزشکان متخصص زنان بدانند که بر طبق سوگند خود تنها موظف به درمان درد بیمار و رفع دلایل درد هستند و نه چیز دیگر».

گفتمان‌های نسبت داده به زنان (درون‌مایه متن‌ها)

مثبت	درمان درد بیمار و رفع دلایل درد.	واژگان
منفی	خشونت، دخالت، تحقیر، عذاب وجدان، مشکلات عاطفی و زناشویی بیمار، برخورد زشت و پرخاشگرانه، گناهکار، درد و شرم و انواع احساسات ناخوشایند	
مثبت	زنان فمینیست	افراد و نهادها
منفی	متخصص زنان	
خود	آموزه‌های درست و ضد سنت و عرف	ارزش‌ها
دیگری	آموزه‌های سنتی و مردسالارانه و تحقیرآمیز و سرکوب‌کننده.	
استناد	ارجاع به مشاوره‌های متخصص زنان	
پیش‌فرض‌ها	مصادیق بارز خشونت زنان علیه زنان را می‌توان در بسیاری از مطب‌های متخصصین زنان و زایمان یافت.	
دلالت	آموزه‌های مردسالارانه فارغ از جنسیت است و نظامی هدفمند است.	
مؤلفه‌های اجماع	متن با نقد روان‌شناسی متخصص زنان سعی در القاء ارزش‌های فمینیستی دارد که با عرف جامعه در تضاد است، تضادی که منجر به تحقیر و عذاب وجدان زنان می‌شود.	
گزاره‌های	- فمینیست و آموزه‌هایی فمینیستی راه نجات زنان است. - باورهای غلط و برآمده از فرهنگ مردسالاری که تجربه شخصی نویسنده بوده به‌عنوان واقعیات ذاتی و	

اساسی هویتی جنس زنان بیان شده است.
- زنان فمینیست در تمام ابعاد جامعه مورد اذیت و آزار و دخالت‌های همجنس‌های خود قرار می‌گیرند؛ مانند متخصص زنان.
جدول ۶. درون‌مایه متن پنجم در خصوص تحلیل گفتمان نفرت‌پراکنی اینستاگرامی زنان علیه زنان

تاریخ انتشار: شنبه، ۱۲ مهر ۱۳۹۹ (۳ اکتبر ۲۰۲۰)
منن (۶):



«همانا بهترین روش پیشگیری از بارداری دیدن وضعیت واقعی افرادی که بچه دارن»
کامنت:

- سؤال دنبال‌کننده: مخالفت با بچه‌دار شدن چه ارتباطی با فمینیسم دارد دقیقاً؟
- جواب ادمین: بیشترین فشاری که روی یک زن، به‌خصوص زن متأهل هست چیه؟ بچه‌دار شدن. نتیجه‌اش چی میشه؟ جامعه هیچ حمایتی از حق زن و اشتغالش نمی‌کنه. در نتیجه زن مجبور به خانه‌نشینی و وابستگی می‌شه.
- پاسخ به استدلال ادمین: بیشترین فشار و شاید هم بیشترین لذت ... بچه‌دار شدن یک انتخاب شخصیه مثل ازدواج؛ یک نوع تعهد و محدودیت همراه با رشد و توانمندتر شدن شخص. اینکه بگیم بچه‌دار شدن یک ظلم در حق زن‌ها و ضد حقوق زنه خیلی درست نیست ... چون با همین استدلال

ظلم در حقّ مردها هم هست، به دلیل اینکه مردها هم برای تأمین هزینهٔ بچه بیشتر تحت فشار قرار می‌گیرند.

- پاسخ به کامنت: بچه‌دار شدن به انتخاب شخصیه ... چه منطق وحشتناکی ... یه موجود رو تو این دنیای بی‌رحم با انتخاب شخصی خودتون تولید می‌کنین، بعدشم واسه بزرگ کردن و رفع نیازاش کلی بهونه میارین، آخر سرم خودتون رو قدیس می‌دونین که زحمت کشیدین برای بزرگ کردن.

- عزیزم نکته‌ای که باید توجه کنی اینه که یک زن نباید به خاطر جامعه پا روی خواستهٔ درونی خودش بگذاره؛ بلکه جامعه باید خودشو تغییر بده تا یک زن رو با تمام انتخاباش بپذیره، جامعه باید به زن باردار فرصت برابر اشتغال بده، بعد از بارداری مرخصی کافی زایمان بده هم به پدر هم به مادر، بعد از اتمام مدت مرخصی پوزیشن کاری مادر رو براش حفظ کنه، این حمایتی هست که یک زن احتیاج داره تا آزادانه بتونه تصمیم بگیره مادر بشه یا نه، نه اینکه کلاً خودش رو از داشتن انتخاب مادر بودن محروم کنه چون جامعه حمایتی ازش نمی‌کنه!

- من تعدادی رو هم می‌شناسم که لذت می‌برن از بچه‌دار شدن اونجوریام نیست که کلاً عذاب باشه.. بالأخره اون هم در جایگاه و زمان درستش.

- اینکه همسر شما این تفکر رو داره و شما در این مورد مشکل دارید دلیل نمی‌شه که دیگران هم همین شرایطو داشته باشن.

- بچه‌دار شدن به تصمیم دونه‌ره‌ست.. وقتی دو نفر رضایت کامل دارن که مسئولیت‌هایی که با وجود بچه بهشون اضافه می‌شه بپذیرن.. و با تغییرات جدید توی خانوادشون کنار بیان... وقتی این شرط نباشه نباید اقدام به بارداری کرد چون همه فشار روی زنه .. به هر حال مسئولیت این تصمیم با شخص شماست و همسرتون.

- تو کلاً خودتو به بی‌شعوری زدی یا کلاً بی‌شعور و نفهمی؟ کی گفت یه نری مثل تو که با پروفایل فیک زنونه اومده اینجا بچه بزاد؟ منظورش برای یه ضریب‌هوشی متوسط هم واضحه: پرورش فرزند نباید بیشتر فشارش بر عهدهٔ زن باشه و باعث بشه زن از نیازهای دیگش مثل پیشرفت شغلی و مالی و تخصص حرفه‌ای و ادامه تحصیل و تعقیب سایر رؤیاهاش جا بمونه. فشار پرورش فرزند باید به‌طور مساوی بین زن و مرد تقسیم بشه که متأسفانه در ایران امروز این‌طور نیست. بنابراین بچه‌دار شدن برای زن بصره و معقول نیست.

- به نظرم این افکار به سطح بیماری و درگیری ذهن خود آدم بستگی داره و نمی‌شه اینقدر مطلق به همهٔ افراد نسبتش داد... بچه ربطی به فمینیسم و فشار به زن نداره.. گاهی اونقدر انرژی راهی روح و روانت می‌کنه که خودتو از هر موجودی قوی‌تر و بانگیزه‌تر و پرانرژی‌تر می‌بینی.. چشم‌ها را باید شست.

- آخه بچه‌دارها با چشای پف‌کرده و خون افتاده از بی‌خوابی و پوست کدر و زندگی آشفته همچنان معتقدند ما نمی‌فهمیم شیرینی بچه روا! اصلاً قبول ما نفهمیم!

- من مطمئنم کسانی که مخالف بچه هستن، بچه ندارن خودشون وگرنه همچین تعاریفی

نمی‌کردن و اینکه من هم بچه دارم و دوست دارم یکی دیگه هم داشته باشم که بچه‌م خواهر یا برادر داشته باشه و درمورد اینکه کسایی که شرایط خوبی ندارن کاروبار و جا ندارن و تحصیلات، نباید بچه بیارن یا زیاد بچه بیارن قبول دارم اما کسی که زن خوب داره و شرایطشو داره اتفاقاً باید بیاره. بحث امروز و فردا نیست بحث نسل‌های آینده است و جامعه‌ای که با این بچه‌ها شکل می‌گیره و اینکه همه هم اینجوری نیستن. من خونه زندگیم تمیزه و رو تربیت بچه‌م حساسم. اگه بچه بد بود تو همین آمریکا و خیلی کشورهای اروپایی انقدر تشویق و شرایط خوب نمی‌داشتن واسه بچه‌دار شدن؛ اما ما مثل همیشه صد سال عقبیم.

- در واقع بچه آوردن اونم توی سن زیر سی‌وپنج و حداقل سی اشتباه محضه. تمام انرژی، زیبایی، کلسیم، تناسب اندام و خاطر آسوده‌تو از دست می‌دی، بعدش نمی‌تونی راحت بخوابی، تفریح کنی، غذا بخوری و... واقعاً در عجبم از کسایی که دوتا و سه تا میارن!

- چقد بعضی‌ها ساده هستن که هر چیزیه به اسم فمینیستی و روشنفکری به خوردشون می‌دن. این پست داره خانما رو تشویق می‌کنه که از حس مادری که از زیباترین حس‌ها برای به زنه صرف نظر کنن. این مصداق بارز عوام‌فریبیه. خواهش می‌کنم نظرات شخصی و اشتباهتون رو برا بقیه جار نزنید. حق هر زنی که بخواد طعم شیرین مادر شدن رو.

- با کامنت‌های این پست فهمیدم بعضیا که ادعای فمینیستی هم دارن، چقدر خشونت دارن علیه زنانی که شبیه اونا فکر نمی‌کنن. چقدر بی‌ادبانه و گستاخانه حرف می‌زنن. بعد توقع دارن مردها خشونت علیه زن‌ها رو تموم کنن. شماها خودتون از مردها بدترید.

- وای کامنتا و پست چقدر وحشتناکه... واقعاً بچه مگه چشه که انقدر مسئولیت بچه‌دار شدن رو غول کردید... روند عادی زندگی رو خیلی سخت و مشکل به خورد مردم می‌دید ... هی دوست دارید بگید که از هر لحاظ داره به زن‌ها فشار میاد.

- به جنین انسان رو به انگل تشبیه می‌کنید؟ واقعاً این پستتون مزخرفه، من خودم با بچه‌هام رشد کردم، یاد گرفتم و موفق شدم و موفق‌تر هم می‌شم، بله سختیایی داره، کارهایی هست که آدم ممکنه فرصت انجامش رو نداشته باشه ولی با کمی برنامه‌ریزی و صبر و حوصله می‌تونه علایقش رو جایگزین کنه و حتی همون کاری رو که دوست داره در محیط بیرون از خونه انجام بده در کنار فرزندانش هم انجام بده، یعنی هم برای بچه‌ها وقت مفید بذاره هم برای خودش تا فرسوده نشه و این واقعاً لذت داره چون سعی می‌کنیم از همه فرصت‌هایی که داری استفاده کنی و این تلاش باعث می‌شه انسان قوی‌تر از قبل بشه، ما ربات نیستیم و انسانیم پس می‌تونیم حتی تو این شرایط سخت بهترین‌ها رو برای خودمون و خانوادمون ایجاد کنیم.

- به مشت احمقن که خودشونم نمی‌دونن چشونه. تمام کامنتا چرت و پرتیه... اول از همه کامنت ادمین... چون الان فقط مردها هستن که از بچه‌دار شدن فرارین به خاطر مسائل مالی... انگار تو ایران پنجاه سال پیش زندگی می‌کنین شماها ... در ضمن من تو کل فامیل و دوست و همسایه هر کیو دیدم

دو تا بچه هم داشته یکی از یکی خونه زندگیش تمیزتر و با برنامه تر... یکیش خودم... انقدر جوک نگین. - من ۳۳ سالمه و ازدواج نکردم و هیچ وقت بچه دوست نداشتم و ندارم. ولی اینو می دونم باید آدم حد تعادل رو نگه داره. افکار بیهوده رو دور بریزه. من مادر نمی شم چون مشکل مالی دارم. من مادر نمی شم چون با همسرم اختلاف دارم. من مادر نمی شم چون خودم ثبات اخلاقی و روحی ندارم. من مادر نمی شم چون سنم کمه و بی تجربه. من مادر نمی شم چون کشور من جای مناسبی برای زندگی نیست. اینها دلایل مناسبه ولی من مادر نمی شم چون شاغلم. من مادر نمی شم چون کارم مهم تره. من مادر نمی شم چون باشگاه می رم و... خنده داره. این افکار در حد یک انسان بالغ نیست. آدم چندبعدی خوبه نه تک بعدی. سعی کنیم به همه ابعاد زندگیمون برسیم. چون انسان تک بعدی خلق نشده.

- قویاً احساس می کنم اکثر خانومها که اینجا از بچه دار شدن شاکین نه تنها معنی فمینیست رو نمی دونن بلکه اکثراً خانمهای شکست خورده در زندگی و درمونده هستن که تنفرشون رو از زندگی بی عشق و محبت این جورری با انزجار از به دنیا آوردن یک مخلوق اعلام می کنند، بنده و همسر هشت سال بعد از ازدواج و ناخواسته بچه دار شدیم ولی بسیار لذت می بریم از این فرزند چون کمبود و عقده ای از رابطه با هم نداریم.

- همیشه برام سؤال بود که عرب جاهلیت وقتی دختراشو زنده به گور می کرد واقعاً پیش خودش فکر نمی کرد اگه قرار باشه همه همین کارو بکنن نسل بشر منقرض می شه؟ اگر وارد جریان فمینیسم می شیم و قراره برای اصلاح جامعه قدم برداریم بهتره منطقی رفتار کنیم وگرنه کل جریانو زیر سؤال می بریم. مادر شدن قانون طبیعت و بخوایم یا نخوایم یکی از قشنگ ترین حساس. اینکه ما بخوایم به خاطر جامعه مردسالارمون خودمون رو ازین حس بی نظیر محروم کنیم که نقض فمینیسمه! از اونور بوم نیفتیم».

گفتمان های نسبت داده به زنان (درون مایه متن ها)

واژگان	مثبت	فمینیست، اشتغال زنان، پیشرفت شغلی و مالی، ادامه تحصیل، حقوق مساوی زن و مرد، آرامش، تناسب اندام.
	منفی	زن متأهل، خانه نشینی، بچه دار شدن، مادر بودن، وابستگی زنان، جامعه، بی شعوری، تر، پروفایل فیک، فشار به زنان، ذهن بیمار، زندگی آشفته، چشم های پف کرده، پوست کدر، زندگی شلوغ، گستاخ، خشونت زنان علیه زنان، مشکل مالی، عدم ثبات اخلاقی، اختلاف با همسر، عرب جاهلیت
افراد و نهادها	مثبت	زن شاغل، زن مجرد، فمینیست
	منفی	مادر، جامعه، خانواده، بچه
ارزش ها	خود	خانه آرام و زیبا، تناسب اندام، خودکفایی مالی، اشتغال
	دیگری	خانه شلوغ و بی نظم و بی برنامه، وابستگی
استناد		ارجاع به مشکلات خانواده و دغدغه های بچه داری و سیستم مردسالار و جایگاه متزلزل زنان در جامعه
پیش فرض ها		بچه داری و مادر بودن عامل ازدست رفتن موقعیت های شغلی و استقلال مالی زنان است که منجر به

وابستگی هرچه بیشتر زنان می‌شود.	
مادر بودن و بچه‌داری عامل اصلی فروپاشی آرامش زنان است، فروپاشی‌ای که منجر به وابستگی زنان و سرکوب خلاقیت و پیشرفت اجتماعی (ارتقاء شخصی) و شخصی (پیشرفت مالی) می‌گردد.	دلالت
متن با تصویر بی‌نظمی و هرج‌ومرج در خانه و صورت به‌هم‌ریخته و شلخته مادر در تقابل با اندام مناسب زن سعی در القاء آگاهی به زنان متأهل است که تنها راه حفظ آرامش و حفظ تندرستی زنان پیشگیری از بچه‌داری است.	مؤلفه‌های اجماع
هر آنکه در پی مادر شدن است بی‌شعور و ناآگاه است. بچه‌داری باعث وابستگی بیشتر زنان و عامل فروپاشی شخصیت اجتماعی و فردی زنان است. زنان تنها قربانیان مادر بودن هستند و مرد و بچه عامل برهم زدن آرامش زن هستند. هر آنچه بر محور خانواده بچرخد، ناشی از ناآگاهی بوده و نماینده مردسالاری است.	گزاره‌های اساسی
جدول ۷. درون‌مایه متن ششم در خصوص تحلیل گفتمان نفرت‌پراکنی اینستاگرامی زنان علیه زنان	

تاریخ انتشار: دوشنبه، ۲۴ شهریور ۱۳۹۹ (۱۴ سپتامبر ۲۰۲۰)

با استناد به شیوه تحلیل گفتمان انتقادی ون دایک و مطالعه عناصر متن، «اجتماعی بودن» به‌عنوان دال مرکزی در نظم گفتمانی هویت زنانه شناخته شد. «نفی جمع‌گرایی»، «روابط جنسی» و «برابری جنسیتی» دال‌های پیرامونی کاربران زن را در نظم گفتمانی هویت زنانه تشکیل می‌دهند. این گفتمان، دیگری‌هایی را نیز برای خود متصور است که اغلب در قالب هویت‌های تحجر، ضدانسانیت، اختلافات جنسی، چندهمسری، تبعیض تاریخی و مانند آنها تصویر شدند.

در سطح واژگان، کلمات و عبارات مثبتی مانند حفظ حرمت انسانی، برابری زن و مرد، تغییر سیستم مردسالاری، انتخاب کردن، قدرت تصمیم‌گیری زنان، قابلیت جنسی و زنان تأثیرگذار، هوشمندی و شجاعت، در بافت واژه‌گزینی شد. واژگان منفی نیز عمدتاً حول محورهایی چون خیانت زنان، سیستم متحجرانه و مردسالارانه، زنان اخته و هیستریک، نقش مادری و خانه‌داری و شوهرداری، و زنان پسرخواه بوده است.

در سطح معنا با اشاره به روان‌شناسی اجتماعی می‌توان اشاره کرد توده مردم تمایل به دسته‌بندی دارند و از پاره‌گفته دیگران برای ارجاع به بقیه استفاده می‌کنند که این نوعی جداسازی است (van de jik, 2003:64). با این مقوله‌بندی، گروه‌ها شکل می‌گیرند و ویژگی‌های مثبت و منفی را می‌توان به آنها نسبت داد. پست‌ها و کامنت‌های منتشرشده این صفحات، «خود» را در تعابیری چون زنان آگاه فارغ از سنت‌های دست‌وپاگیر، مظلوم و مملو از خلاقیت و نبوغ مطرح کرده‌اند و «دیگری» را با تعابیری مانند تفکر متحجرانه و سنتی، خانواده‌دوست و متأهل و احساسات مادرانه و خائن به ارزش‌های برابرخواهی و فمینیستی معرفی کرده‌اند.

بازنمایی روابط بین ما و دیگری به این معنا است که سایر شیوه‌های گفتمان محدود شود که این خود اساس پیش‌داوری است (Bloor & Bloor, 2007). استنادهای این متون براساس ارزش‌های مدرن در تقابل با ارزش‌های سنتی و سرکوب‌گرانه است. عمده‌پیش‌فرض‌هایی که در پست‌ها و کامنت‌های

منتشر شده استنباط شده‌اند، بر سنت‌های متحجرانه، زنان ناآگاه، سرباز پیاده‌مردسالاری و در خدمت نظام مردسالاری، شرایط نابرابر و سرکوب خلاقیت و توانایی‌هایی زنان و در نهایت جامعه زنان سنتی و شوهرداری و بچه‌داری متمرکز شده است. عامل جایگاه نامناسب زنان، خود زنان هستند و زنان باعث بازتولید نگاه مردسالارانه می‌شوند. در این کامنت‌ها باورهای غلط و برآمده از فرهنگ مردسالاری، واقعیات ذاتی و هویتی جنس زنان را شکل می‌دهد و راه شکوفایی زن ایرانی در بستر مبارزه با حکومت جمهوری اسلامی، نفعی نهادها و ارزش‌های سنتی و حضور برابر در جامعه است.

زنان کاربر با گرایش مدرنیته به دنبال برابری کامل زن و مرد در چارچوب آموزه‌ها و مبانی فمینیسم هستند. از این رو جریان فمینیسم در غرب را به عنوان الگو دانسته و از دریچه آموزه‌های غربی به حقوق زنان نگاه می‌کنند و راه احقاق حقوق آنها را در تن دادن به الگوها و معیارهای متناسب با فمینیسم غربی جست‌وجو می‌کنند. در نهایت پست‌ها و کامنت‌های بررسی شده از خشونت زن مدرن به زن سنتی در مسائل تبعیض و نظام مردسالاری، نهاد خانواده و نقش سنتی زنان و اعتقاد به ارزش‌های سنتی حکایت دارد. اما سوئیچ دیگر این گفتمان، زنان سنتی در برابر زنان سکولار، غیردینی و سیاسی است که مورد هجمه زنان مدرن قرار گرفته‌اند. این جریان بر این اعتقاد است که تشابه حقوق زن و مرد، منافع زنان را تأمین نمی‌کند و باید به تفاوت‌های طبیعی این دو جنس توجه داشت. راه برطرف کردن مشکلات و نابسامانی‌های موجود در زمینه حقوق زنان، نه در حذف و تغییر قوانین جامعه ایرانی، بلکه در شناخت درست این قوانین و تلاش برای اجرای صحیح آن است. این جریان معتقد است ایده دفاع از حقوق زنان لزوماً به معنای فمینیستی بودن این ایده نیست؛ چون فمینیسم جنبشی با اصول و مبانی خاص است که در شرایط اجتماعی و فرهنگی غرب پدیدار شده و این شرایط در ایران متفاوت است. این جریان به دو شاخه محافظه‌کاری و نواندیشی دینی تقسیم می‌شود. جریان‌های دینی از این نظر که، با نگاهی دینی به بیان حقوق زنان و موضع‌گیری درباره آن می‌پردازند و همگی خود را مدافع نظام اسلامی و ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب می‌دانند، با هم مشترکند؛ اما در جزئیات تفاوت دارند. جریان‌های دینی محافظه‌کار، در دفاع از حقوق زنان، بر لزوم مبانی و اصول اسلامی در مطالبات زنان تأکید می‌کنند و معتقدند می‌توان با تحقیق در منابع اسلامی، مسئله زنان را متناسب با نیازهای زمان استنباط کرد. آنها بر اساس همین نگرش به موضع‌گیری درباره مسائل زنان می‌پردازند. به زعم آنان تشابه حقوق زن و مرد، منافع زنان را تأمین نمی‌کند و باید به تفاوت‌های طبیعی بین دو جنس و قوانین منبعت از آن توجه کرد. می‌توان اینگونه بیان کرد که چون به نظر آنان اولویت با حضور زن در خانواده است نه حضور زن در جامعه، در نتیجه زنان سنتی بیش از آنکه مطالبات خاص جنسیتی را مورد توجه قرار دهند، مطالباتی را پیگیری می‌کنند که در راستای حفظ و تحکیم خانواده است.

نتیجه‌گیری

عینیت‌بخشی به مقوله «ما و دیگری» و تلاش پی‌درپی در تعمیم این مقولات در سطح جامعه و ایجاد

باورهای هر دو گروه، باعث ایجاد قطب‌بندی و تشکیل گروه زنان مدرن و سنتی و ترویج ایدئولوژی‌های هر کدام و تزریق آن در جامعه شده است. یافته‌های تحقیق حاصل از تحلیل گفتمان صفحات اینستاگرامی زنان فعال، نشان از این واقعیت داشت که تولید، مصرف و بازنشر پست‌ها و کامنت‌ها توسط کاربران، فرایندی آگاهانه و برمبنای کنشی هدفمند است. چنین فرایندی در گام اول بر تولید و انتشار محتوا برای آگاه‌سازی زنان علیه وضع موجود مردسالارانه و نگاه سنتی متمرکز است. نتایج نشان داد کاربران از یک سو تحت‌تأثیر آموزه‌های فمینیستی، به‌طور آگاهانه به نفی ارزش‌ها و ایدئولوژی گفتمان مسلط (زنان سنتی) پرداخته و از سوی دیگر مورد حمله زنان سنتی قرار می‌گیرند که خود به بازتولید گفتمان مسلط می‌پردازند. پست‌های منتشرشده در تلاش برای نفی باورهای موجود در مورد زنان، برای دستیابی به برابری جنسی مقاومت ایجاد می‌کند. این برابری در حمله به ارزش‌های سنتی و نهادهایی چون خانواده متجلی شده است؛ ولی درنهایت با بررسی متون، همدستی ضمنی زنان مدرن و سنتی در بازتولید نگاه فرودستی به زنان محرز شد.

«اجتماعی بودن» به‌عنوان دال مرکزی در نظم گفتمانی هویت زنانه شناسایی شد که منتج به آگاهی زنان می‌شود. دال‌های پیرامونی دیگری نیز چون «نفی جمع‌گرایی»، «روابط جنسی» و «برابری جنسیتی» منظومه گفتمانی کاربران زن را در نظم گفتمانی هویت زنانه تشکیل می‌دهند. به تاسی از گلیردونه، می‌توان به ابعاد سه‌گانه خشونت، ترویج‌کننده تبعیض، نفرت یا خشونت در متن‌های منتشرشده دست یافت. باورهای غلط و برآمده از فرهنگ مردسالاری، که زنان خانه‌دار نماینده آن هستند، به‌عنوان واقعیات ذاتی و هویتی جنس زنان بیان می‌شوند. یافته‌ها حاکی از نگاه فمینیستی علیه نقش‌های سنتی زنان است که پیامد این نگاه، آشکار شدن تبعیض‌ها، برجسته شدن نفرت از مادران و نفرت از خشونت نهفته نظام مردسالارانه است.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس و یاسمی، کلثوم (۱۳۹۵). «تحلیل گفتمان انتقادی کتاب امریکن اینگلیش فایل با استفاده از مدل ون دایک»، *مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، (۳۴): ۱۹۱-۲۱۵.
- بیچرانلو، عبدالله؛ صلواتیان، سیاوش و لاجوردی، آزیتا (۱۳۹۷). «بازنمود سبک زندگی زنان جوان ایرانی در اینستاگرام»، *نشریه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، (۵۶): ۱۱۲-۱۴۰.
- عبداللهی‌نژاد، علیرضا و مجلسی، نوشین (۱۳۹۷). «خشونت کلامی مطالعه موردی اظهارنظرهای دنبال‌کنندگان در صفحات اینستاگرام هنرمندان ایرانی»، *فصلنامه مطالعات نوین*، (۱۳): ۴-۱-۶۱.
- صابرپور، زینب (۱۳۹۲). «بازنمایی جنسیت در رمان رازهای سرزمین من»، *فصلنامه علمی پژوهشی نقد ادبی*، (۲۳): ۶-۸۴-۱۰۳.
- کلانتری خاندانی، عزت‌الله و همکاران (۱۳۹۹). «تحلیل گفتمان انتقادی توثیتهای دونالد ترامپ براساس مدل وندایک»، *فصلنامه علمی - پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)*، (۳۴): ۱۲-۱۳۱-۱۵۶.
- ون دایک تئون ای (۱۳۸۲). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان - از دستور متن تا گفتمان کاوی انتقادی*، ترجمه گروه

مترجمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

<https://www.statista.com>

Almagor, R.C. (2014). "Contering hate on the internet", *Annual Review of Law and Ethics*, 22: 431-443.

Bloor, A., & Bloor, T. (2007). *The practice of critical discourse analysis: an introduction*. Oxford: Oxford University Press.

Charitidis, P., Doropoulos, S., Vologiannidis, S., Papastergiou, I., & Karakeva, S. (2020). "Towards countering hate speech against journalists on social media ", *Online Social Networks and Media*, 17: 1-10.

Delgado, R., & Stefancic, J. (2004). *Understanding words that wound*. Boulder. Westview Press.

Fortuna, P., & Nunes, S. (2018). "A Survey on Automatic Detection of Hate Speech in Text", *ACM Computing Surveys (CSUR)*, 51. URL: <https://doi.org/10.1145/3232676>.

Gagliardone, I; & Gal, D & Alves, T & Martinez, G (2015). "Countering Online Hate Speech: Unesco Series On Internet Freedom", *United Nations Education, Scientific & Cultural Organization*.

Modha, S., Majumder, P., & Mandalia, C. (2020). "Detecting and Visualizing Hate Speech in Social Media: A Cyber Watchdog for Surveillance", *an International Journal*. 161: 1-34.

Mondal, M., Silva, L. A., Correa, D., & Benevenuto, F (2018). "Characterizing usage of explicit hate expressions in social media", *New Review of Hypermedia and Multimedia*, 24(2): 110-130.

Razavi, A. H., Inkpen, D., Uritsky, S., & Matwin, S. (2010). "Offensive language detection using multi-level classification", *In Canadian Conference on Artificial Intelligence* (pp. 16-27). Springer.

Ritesh, K., N., R. A., Akshit, B., & MaheshwariTushar (2018b). "Aggressionannotated corpus of hindi-english code-mixed data", *In Proceedings of the 11th Language Resources and Evaluation Conference (LREC)* (pp. 1 -11). Miyazaki, Japan.

Seglow, J. (2016). "Hate speech, dignity and self-respect", *Ethical theory and moral practice*, 19, 1103-1116.

Van Dijk, T. A. (2003). *Ideology and discourse, multidisciplinary introduction*. Barcelona: Ariel.